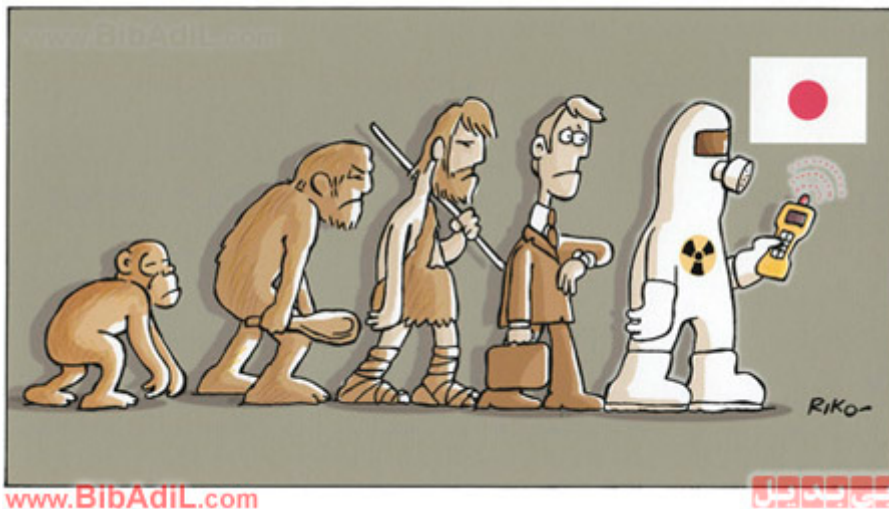


# طرح بحث: نظریه داروین



نکاتی در باب نظریه داروین

تکامل طولی در یک نوع، صحیح است و انجام می شود، مثلا انسان از نطفه، علقه، مضغه، سپس جنین و تولد، سپس نوزاد و کودک و ... به این ترتیب در جسم خود تکامل می یابد.

اما تکامل در عرض، یعنی از نوعی به نوع دیگر، صورت نمی گیرد. مثلا انسان، در تمام مراحل تکامل خود، انسان است. میمون هم در تمام تکامل خود، میمون است. و هیچ تبدیلی یا تغییری از یک نوع به نوع دیگر اتفاق نمی افتد.

داروین خود آدم مذهبی بوده و تا آخرین لحظه هم به خداوند معتقد بوده است. اما بعد از ایشون بعضی ها از صحبت های ایشان برداشت های اشتباه و مادی گرایانه می کنند و اینگونه برداشت می کنند: که با توجه به تکامل نوع به نوع دیگر، انسان هم قبلا جانور و قبل از اون مثلا اشیا بوده، پس خالق وجود ندارد و ما و همه به صورت تکاملی از اشیا و جمادات آفریده شده ایم. ( یعنی با این حساب هیچ خدایی وجود ندارد - نعوذ بالله )

باید توجه کنیم که وجود فعل و انفعالات فیزیکی در تکامل نیز، نه تنها دلیلی بر نفی خدا و اسلام نیست، بلکه استدلالی بسیار محکم در «برهان علیت» و «برهان نظم»، و «برهان حرکت و محرک»، و «برهان حدوث و قدم ماده» و ... (برهان های دینی) می باشد که همگی وجود علت، ناظم و محرک را به اثبات می رساند که دارای صفات، محدودیتها و شرایط ماده نباشد، کمال و هستی مطلق باشد، که همان خداوند

متعال است.

لذا شاهدیم که حتی خود داروین در تداوم نظریه‌ی تکاملی خویش اذعان می‌نماید:

«بالاخره یک عامل مجهولی را باید برای پیدایش این تغییرات معتقد شد یعنی همه این عواملی که من ذکر می‌کنم باز هم معما را حل نمی‌کند و این مهم یعنی اینکه توجه به هدف و این همان اصلی است که الهیون می‌گویند: " اصل توجه به غایت "» (توحید، 251 تا 254)

چیزی که اشکال دارد،

اولاً سوء استفاده از نظریه‌ی تکامل برای نفی و تکذیب خداوند متعال است

ثانیاً چگونگی این تغییرات و تکامل است

ثالثاً سوء استفاده‌ی بی‌دلیل برای نفی متافیزیک و بالتبع مادی دانستن اخلاقیات است

رابعاً مجبور دانستن همان علت غیر مادی (خدا) به قوانین وضع نموده‌ی خود است.

که این اعتقاد از اسرائیلیات حتی به داروینیسم هم رسوخ کرده است. [یهودی‌ها بر این باورند که خدا هست، اما دست او بسته است. خلقتی بر اصولی بنا نهاده و کنار کشیده است]

نتیجه: اصل صحبت داروین مبنی بر خلقت از بنیان واحد و تکامل در نوع، صحیح است، اما بعد از ایشان، غربی‌ها این نظریه را برای نفی خداپرستی، مورد سوء استفاده قرار دادند.